

رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با نقش میانجی توانمندسازی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران

***فاطمه صغری سینا**، استادیار گروه علوم تربیتی، واحد نکا، دانشگاه آزاد اسلامی، نکا، ایران.
حسن محمدی چلمردی، کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد نکا، دانشگاه آزاد اسلامی، نکا،
سیده علیا عمادیان، استادیار گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

 10.52547/MEO.10.2.109

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با نقش میانجی توانمندسازی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران می‌باشد. روش پژوهش از نوع هدف کاربردی و از نظر اجرا توصیفی-همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران به تعداد ۱۴۷ نفر می‌باشد، که با فرمول کوکران و روش تصادفی طبقه‌ای به تفکیک جنسیت، ۱۰۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه‌های استاندارد سازمان یادگیرنده کیفه (۲۰۰۲)، یادگیری سازمانی پیتر سنگه (۲۰۰۱)، توانمندسازی اسپریتزر و میسرا (۱۹۸۷) بود که برای روایی آن‌ها از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. ضریب پایایی پرسشنامه‌ها از طریق ضریب الفای کرونباخ برای سازمان یادگیرنده ۰/۹۵، یادگیری سازمانی ۰/۹۴، توانمندسازی ۰/۹۱ برآورد شد. داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم افزار SPSS و PLS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین سازمان یادگیرنده با یادگیری سازمانی و توانمندسازی کارکنان وجود دارد. همچنین بین یادگیری سازمانی و توانمندسازی کارکنان رابطه وجود دارد. علاوه بر این، متغیر توانمندسازی در رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان نقش میانجی دارد.

واژگان کلیدی: سازمان یادگیرنده، یادگیری سازمانی، توانمندسازی، مازندران.

* نویسنده مسئول: fatemehsina10@gmail.com

دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۴ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۴/۶

The Relationship between Learning Organization and Organizational Learning with the Mediating Role of Empowering Education Staff in East Mazandaran Province

* **Fatemeh Soghra Sina** Assistant Professor Department Of Unit Neka
,Islamic Azad University, Neka, Iran

Hasan Mohammadi Chalmardi, Master of Education Management, Neka
Azad University

Dr. Seyedehe Olia Emadian, Assistant Professor, Department of Psychology,
Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

 10. 52547/MEO.10.2.109

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between learning organization and organizational learning with the mediating role of empowerment of education staff in the east of Mazandaran province. The research method was applied purpose and descriptive-correlational. The statistical population of the study includes all education staff in the east of Mazandaran province, 147 people, of which 106 people were selected as a sample by Cochran's formula and stratified random sampling method. Assessment tools included standard questionnaires of Kifa Learning Organization (2002), Peter Singh Organizational Learning (2001), Spritzer and Mishra (1987) Empowerment, which were validated by confirmatory factor analysis. The reliability coefficient of the questionnaires through Cronbach's alpha coefficient for learning organization was 0.95, organizational learning was 0.94 and empowerment was 0.91. Data were analyzed using structural equation modeling and SPSS and PLS software. The results showed that there is a significant relationship between learning organization and organizational learning and employee empowerment. There is also a relationship between organizational learning and employee empowerment. In addition, the empowerment variable mediates the relationship between the learning organization and the organizational learning of employees.

Keywords: Learning Organization, Organizational Learning, Empowerment, Mazandaran.

* Corresponding author: fatemehsina10@gmail.com

Receiving Date: 22/2/2021 Acceptance Date: 27/6/2021

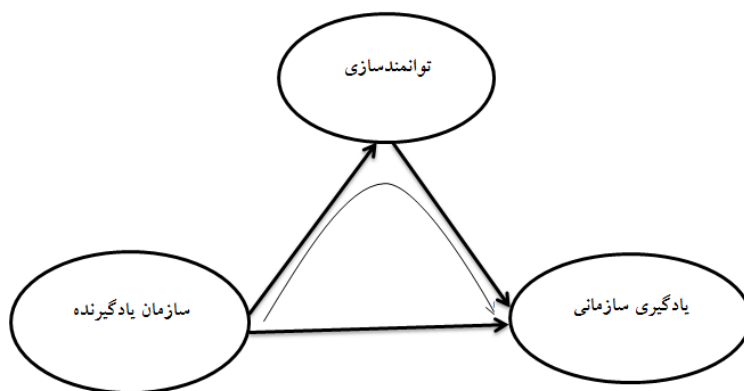
مقدمه

دنیای فراروی سازمان‌ها دنیای پرچالش و صعب العبوری است. روند فزاینده رقابت و ضرورت دستیابی سازمان‌ها به سطوح بالاتری از کیفیت و بهره‌وری ایجاب می‌کند که در آینده سازمان‌ها به مدیران و رهبرانی به مراتب تواناتر، مستعدتر و شایسته‌تر نیازمند باشد. منابع انسانی ارزشمندترین منابع سازمان محسوب می‌شوند که با تلاش، کوشش و ایجاد هماهنگی و به کارگیری سایر اجزای سازمان، اهداف سازمانی را محقق می‌بخشند. این منابع دارای توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه‌ای هستند که در محیط سازمانی به فعل تبدیل می‌شوند. دستیابی به این مهم نیازمند درک و شناخت کامل انسان‌ها و فراهم کردن شرایط مناسب برای کار و تلاش است (Rajabi, 2012, p. 76). آموزش و پرورش یک سازمان گسترده دولتی است که در جایگاه یک محیط فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کند و یکی از عوامل توسعه و پیشرفت جامعه به شمار می‌آید. بنابراین انتظار می‌رود که این سازمان آموزشی به نیروی انسانی متعهد که از توانمندی‌های لازم برخوردار باشد مجهز شود تا قابلیت انعطاف کافی برای سازش آگاهانه با هر موقعیت علمی جدید که با آن روبه‌رو می‌شود داشته باشد تا در نتیجه بهره‌وری و اثربخشی سازمانی افزایش پیدا کند (Nasiri Walik Bani et al., 2013, p. 64). یکی از متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد سازمان یادگیرنده می‌باشد. برون داد سازمان پیشگام که بر پایه یادگیری بنا شده باشد، فرآورده‌ها و خدماتی است که از نظر اطلاعاتی غنی هستند و در بازاری که عرصه رویارویی شدید است، توزیع می‌شوند. تعاریف متعددی از سازمان یادگیرنده توسط نظریه‌پردازان مختلف بیان شده است. (Senge, 2001) سازمان یادگیرنده را به عنوان سازمانی تعریف می‌کند که در آن، افراد به طور مستمر توانایی‌های خود را ارتقاء می‌بخشند تا به نتایجی که مدنظر است، دست یابند و بدین ترتیب الگوهای جدید تفکر، رشد یافته و اندیشه‌های جمعی و گروهی گسترش یابند (Jahanian & Haj Hosseini, 2013, p. 18). سازمان یادگیرنده سازمانی است که تمامی قدرت فکری، دانش و تجربه سازمان را برای ایجاد تغییرات و بهبود مستمر در جهت توسعه در اختیار گرفته و برآن مدیریت می‌کند. این نوع سازمان توانایی ایجاد، کسب و انتقال دانش را دارد. در تعریف سیستماتیک، یک سازمان یادگیرنده سازمانی است که با قدرت و به صورت جمعی یاد می‌گیرد. این نوع سازمان دائماً خودش را طوری تغییر می‌دهد تا بتواند به نحو بهتری اطلاعات را جمع‌آوری و از آن استفاده کند (Geddes et al., 2018, p. 34). به زعم Garvin, (2001) سازمان یادگیرنده عبارت است از توانایی سازمان در ایجاد و انتقال دانش و اصلاح رفتار افراد برای بکارگیری دانش و بینش جدید. الوانی نیز در توصیف سازمان یادگیرنده بیان کرده است که سازمان یادگیرنده سازمانی است که در طول زمان می‌آموزد، تغییر می‌کند و عملکردش را متحول می‌سازد. سازمان یادگیرنده سازمانی است که قادر به تغییر رفتارها و

تفکراتش با استفاده از تجربیات می‌باشد. این جمله ممکن است بسیار واضح به نظر برسد، اما هنوز بسیاری از سازمان‌ها قادر به تشخیص وقایع و حقایق نیستند و رفتارهای نادرست را مرتباً تکرار می‌کنند. سازمان یادگیرنده چشم انداز آنچه احتمال دارد ممکن باشد، است. سازمان یادگیرنده با آموزش تک‌تک افراد قابل دستیابی نیست بلکه نتیجه یادگیری در سطح کل سازمان است. سازمان یادگیرنده سازمانی است که امکان یادگیری کلیه کارکنان را فراهم می‌سازد و دائماً خود را متحول می‌کند (Teymouri & Khadivi, 2014, p. 15). متغیر دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، یادگیری سازمانی است. یادگیری فرآیندی است که سازمان از طریق آن یاد می‌گیرد و این یادگیری، به معنی هرگونه تفسیر در مدل‌های سازمانی است که منجر به بهبود یا حفظ عملکرد سازمان می‌شود (Dixon, 2017, p. 24). یادگیری سازمانی مفهومی است که برای انواع مشخصی از فعالیت‌ها که درون سازمان اتفاق می‌افتد، به کار می‌رود. به عبارت دیگر، یادگیری سازمانی به معنی فرایند بهبود اقدامات از طریق درک و دانش بهتر است (Matthews et al., 2017, p. 981). یادگیری در سازمان عمدتاً یک فعالیت اجتماعی است، یادگیری سازمان اثربخش این است که شرایط بهبود نوآوری و موفق شدن و تحمیل کردن در برابر تغییرات و رقابت‌های رو به رشد را تشخیص می‌دهد. یادگیری سازمانی یک شکل خاص از توسعه یادگیری در سازمان به وسیله افرادی کلیدی سازمان است که می‌تواند با تغییرات متعاقب سازمان مرتبط باشند. Senge (2001) پنج مولفه یادگیری سازمانی را به شرح زیر شناسایی نموده است: تسلط و قابلیت‌های فردی، مدل‌های ذهنی، آرمان مشترک، یادگیری تیمی، تفکر سیستمی. یکی دیگر از مفاهیمی که در راستای بالندگی منابع انسانی مطرح گردیده، توانمندسازی کارکنان است. توانمندسازی فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن مدیر به کارکنان کمک می‌کند تا توانایی لازم را برای تصمیم‌گیری مستقل به دست آورند. این فرآیند نه تنها در عملکرد افراد، بلکه در شخصیت آنان نیز موثر است. به عقیده Kilford (1998) توانمندسازی فرآیند است نه چیز خوردنی یا پوشیدنی؛ یعنی این فرآیند، طرحی ساده نیست بلکه مستلزم تعهد مدیران تمامی سطوح سازمان است (Mullah Hosseini & Arsalan, 2009, p. 119). توانمندسازی عبارت است از طراحی و ساخت سازمان به نحوی که افراد ضمن کنترل خود، آمادی قبول مسئولیت‌های بیشتری را نیز داشته باشند. توانمندسازی عبارت است از تقویت باورها، افزایش دانش و مهارت‌ها، بهبود ویژگی‌های روانشناختی کارکنان و بهسازی شرایط سازمانی و محیطی به نحوی که افراد بتوانند با حداکثر کارایی و اثر بخشی در سازمان فعالیت کنند (Lorinkova & Perry, 2017, p. 1639). توانمندسازی فرآیندی است که از راه توسعه نفوذ و قابلیت افراد و گروه‌ها به بهبود و بهسازی مستمر عملکرد شغلی کمک می‌کند. توانمندسازی کارکنان، روش جدیدی است که به منظور افزایش بهره‌وری از راه افزایش تعهد کارکنان به سازمان و برعکس مورد استفاده مدیران قرار می‌گیرد و این شیوه ارزشمندی است که بین کنترل کامل مدیریت و آزادی عمل کارکنان توازن برقرار می‌کند.

توانمندسازی، راهی متفاوت برای کارکردن افراد با یکدیگر است و هدف اصلی آن تغییر ساختار مدیریت از شکل سنتی و هرمی به ساختار مشارکتی است. (2003) Bogler & Somech معتقدند که توانمندسازی باور فردی است که به وسیله آن دانش و مهارت افراد بهبود می‌یابد و براساس آن عمل می‌کنند (Nasiri Walik Bani et al., 2013, p. 65). Spreitzer & Mishra, (1987) پنج مولفه‌ی توانمندسازی را به شرح زیر شناسایی نموده است: شایستگی، داشتن حق انتخاب، مؤثر بودن، معنی دار بودن شغل، داشتن اعتماد به دیگران. پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه سازمان یادگیرنده، یادگیری سازمانی، و توانمندسازی انجام شده است. در این راستا (2019) Damirchi et al در طی پژوهشی در زمینه طراحی الگوی توانمندسازی کارکنان بانک سپه براساس یادگیری سازمانی به این نتیجه دست یافتند که توانمندسازی کارکنان بر اساس یادگیری سازمانی؛ موجب افزایش بهره‌وری، شایسته‌سالاری در بانک سپه می‌شود. همچنین (2019) Song et al پژوهشی با عنوان "تأثیر یادگیری سازمانی بر اعتماد بین فردی و توانمندسازی" انجام دادند، نتایج نشان دادند که بین یادگیری سازمانی و اعتماد بین فردی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین بین یادگیری سازمانی و توانمندسازی نیز رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. (2018) Ahadi & Suandi پژوهشی با عنوان "رابطه بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی در بین دانشگاهیان در دانشگاه‌های تحقیقاتی مالزی" انجام دادند، نتایج نشان دادند که بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. (2017) Joo & Shim پژوهشی با عنوان "توانمندسازی روانشناختی و تعهد سازمانی: تأثیر تعدیل‌کننده یادگیری سازمانی" انجام دادند، نتایج نشان دادند که بین توانمندسازی روانشناختی با تعهد سازمانی و یادگیری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یادگیری سازمانی در رابطه بین توانمندسازی روانشناختی و تعهد سازمانی نقش تعدیل‌گری دارد. (2017) Yuesti & Sumantra پژوهشی با عنوان "تأثیر توانمندسازی بر سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی" انجام دادند، نتایج نشان دادند که توانمندسازی بر سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با عنوان "تحلیل روابط بین توانمندسازی منابع انسانی با چابکی و یادگیری سازمانی" انجام داد، نتایج نشان داد که بین توانمندسازی منابع انسانی با چابکی و یادگیری سازمانی رابطه مثبت وجود دارد. بطوریکه ۸۶/۱ درصد تغییرات چابکی سازمانی و ۶۸/۶ درصد تغییرات یادگیری سازمانی از طریق ابعاد توانمندسازی به ویژه دو بُعد «احساس معنادار بودن» و «احساس مؤثر بودن» قابل تبیین است. (2014) Farmani & Ravangard پژوهشی با عنوان "رابطه بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی در میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شیراز" انجام دادند، نتایج نشان داد که یادگیری سازمانی و توانمندسازی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون خطی چندگانه نشان داد دو بعد احساس مشارکت با دیگران و احساس شایستگی در شغل پیش‌بینی‌کننده یادگیری سازمانی است. سطح یادگیری سازمانی و توانمندی کارکنان در حد متوسط می‌باشد.

Hasanpour (2012) پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه‌ی بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی در شرکت‌های مستقر در شهرک صنعتی شهرستان رشت" انجام داد، نتایج نشان داد که رابطه معنی داری بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی وجود دارد و این مقدار $0/814$ می باشد. بین فرهنگ سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار آن $0/58$ می باشد. بین یادگیری فردی و یادگیری گروهی رابطه معناداری وجود دارد که مقدار آن $0/847$ می باشد؛ بین یادگیری گروهی و یادگیری سازمانی رابطه معناداری وجود دارد که مقدار آن $0/863$ می باشد. همچنین بین ابعاد سطح انسانی و سطح ساختاری با سازمان یادگیرنده رابطه معناداری وجود دارد و مقدار آن به ترتیب برابر $0/859$ و $0/951$ می باشد. Soleimani et al (2011) پژوهشی با عنوان "رابطه توانمندسازی کارکنان با یادگیری سازمانی در ادارات آموزش و پرورش" انجام دادند، نتایج نشان داد که بین توانمندسازی کارکنان و یادگیری سازمانی رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین یکی از فنون موثر برای افزایش بهره وری کارکنان و استفاده ی بهینه از ظرفیت و توانایی فردی و گروهی آن ها در راستای اهداف سازمانی، توانمندسازی آن ها می باشد. از سوی دیگر توانمندی کارکنان باعث می گردد کیفیت ارائه خدمات بهبود یابد، سازمان به اثر بخشی خود مطمئن گردد و انگیزه و تعهد کارکنان افزایش یابد و سازمان ها با این کارکنان توانمند، متعهد و دارای انگیزه بهتر خواهند توانست خود را با تغییرات وفق دهند. توانمندسازی یکی از مفاهیمی است که در سازمان ها جهت رشد منابع انسانی مطرح شده است. وجود تغییرات سریع، پیشرفت در زمینه های تکنولوژی و رقابت‌های آشکار و پنهان در جهان کنونی، اهمیت و ضرورت توانمندسازی را بسیار بیشتر از زمان های قبل نمایان ساخته است (Cochran, 2017, p. 27). نتایج این پژوهش می تواند برای مدیران سازمان آموزش و پرورش الهام بخش باشد تا به احساسات و نیازهای معلمان و کارکنان توجه نموده و در زمینه کمک به یادگیری سازمانی و توانمندسازی کارکنان گام بردارند. با توجه به مطالعات در ایران و اینکه در بین کارکنان آموزش و پرورش، مشابه این تحقیق انجام نگرفته، لذا انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می رسد و خصوصا می توان با بررسی رابطه بین سازمان یادگیرنده، یادگیری سازمانی و توانمندسازی کارکنان به تشخیص بهتر پرداخت تا از این طریق به نتایج دقیق تری دست یافت.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

- با توجه به اهداف و مدل مفهومی پژوهش فرضیه های تحقیق به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفت:
- بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با نقش میانجی توانمندسازی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران رابطه وجود دارد.
 - بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان رابطه وجود دارد.
 - بین سازمان یادگیرنده و توانمندسازی کارکنان رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر حسب هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران (اعم از کارکنان مرد و کارکنان زن) که در سال تحصیلی ۱۳۹۸ مشغول به فعالیت هستند می باشند که تعداد آن ها برابر ۱۴۷ نفر می باشد. آمار بدست آمده از قسمت آموزش و پرورش شرق استان مازندران گرفته شده است. حجم نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان (تعداد حجم نمونه از روی حجم جامعه) به تعداد ۱۰۶ نفر به شیوه تصادفی طبقه ای برحسب جنسیت به عنوان نمونه انتخاب شده اند. برای جمع آوری داده های مورد نیاز جهت انجام این پژوهش، از دو روش (کتابخانه ای و میدانی) استفاده شده است: ابزار جمع آوری اطلاعات محقق در روش کتابخانه ای، همه اسناد چاپی همانند کتاب، دایره المعارف ها، فرهنگ نامه ها، مجلات، روزنامه ها، هفته نامه ها، ماهنامه ها، لغت نامه ها، سالنامه ها، مصاحبه های چاپ شده، پژوهش نامه ها، کتاب های همایش های علمی، متون چاپی نمایه شده در بانک های اطلاعاتی و اینترنت و

اینترنت و هر منبعی که به صورت چاپی قابل شناسایی باشد، است. روش های میدانی به در این پژوهش، از سه پرسشنامه استفاده شده است.

الف) پرسشنامه سازمان یادگیرنده ، پرسشنامه سازمان یادگیرنده توسط (Keefe, 2002) ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۰ سوال دارد و مولفه ای ندارد. شیوه نمره گذاری این پرسشنامه به صورت مقیاس پنج درجه ای لیکرت: خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، تا حدودی (۳)، کم (۲)، خیلی کم (۱) صورت می گیرد.

ب) پرسشنامه یادگیری سازمانی ، پرسشنامه یادگیری سازمانی توسط (Senge, 2001) ساخته شده است. این پرسشنامه ۲۴ سوال و ۵ مولفه دارد که عبارتند از: "مهارت های فردی، مدل های ذهنی، چشم انداز مشترک، یادگیری تیمی و تفکر سیستمی می باشد . شیوه نمره گذاری این پرسشنامه به صورت مقیاس هفت درجه ای لیکرت: کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، تا حدودی مخالفم (۳)، نظری ندارم (۴)، تا حدودی موافقم (۵)، موافقم (۶) و کاملاً موافقم (۷) صورت می گیرد.

ج) پرسشنامه توانمندسازی ، پرسشنامه توانمندسازی توسط (Spreitzer & Mishra, 1987) ساخته شده است. این پرسشنامه ۱۵ سوال و ۵ مولفه دارد که عبارتند از: "شایستگی، داشتن حق انتخاب، مؤثر بودن، معنی دار بودن شغل، داشتن اعتماد به دیگران می باشد . شیوه نمره گذاری این پرسشنامه به صورت مقیاس پنج درجه ای لیکرت: کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲)، کاملاً مخالفم (۱) صورت می گیرد.

از آنجایی که پرسشنامه های استفاده شده در این پژوهش استاندارد هستند بنابراین روایی صوری آن ها توسط اساتید راهنما و مشاور مورد تایید قرار گرفته است. جهت پایایی این پرسشنامه ها در این پژوهش، ابتدا ۳۰ پرسشنامه در بین آزمودنی ها توزیع، و سپس پایایی آن ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سازمان یادگیرنده ۰/۹۱ ، پرسشنامه یادگیری سازمانی ۰/۸۶ و پرسشنامه توانمندسازی ۰/۸۸ محاسبه شد که نشانگر پایایی مناسب این پرسشنامه می باشد.

جدول ۱. مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای متغیرها

متغیرها	مقدار آلفای کرونباخ
سازمان یادگیرنده	۰/۹۵
یادگیری سازمانی	۰/۹۴
توانمندسازی	۰/۹۱

یافته ها

در این پژوهش داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی و نمودار میانگین) و آمار استنباطی

(آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون همبستگی پیرسون، و مدل سازی معادلات ساختاری) استفاده می شود. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و Smart PLS استفاده می شود در پژوهش حاضر نفر شرکت ۱۰۶ نمودند که ۶۴ نفر (۶۰/۵ درصد) از افراد نمونه، مرد و ۴۲ نفر (۳۹/۵ درصد) زن می باشند. ۲۳ نفر (۲۱/۷ درصد) از افراد نمونه، مجرد و ۸۳ نفر (۷۸/۳ درصد) متاهل می باشند. بیشترین فراوانی و درصد فراوانی رده سنی را بین ۳۱ تا ۴۰ سال (۴۲/۵ درصد) و بعد از آن به ترتیب ۴۱ سال به بالا (۳۷/۷ درصد)، و زیر ۳۰ سال (۱۹/۸ درصد) تشکیل می دهد. ۲۷/۳ درصد نمونه ها دارای سابقه کاری زیر ۱۰ سال، ۴۰/۶ درصد نمونه ها دارای سابقه کاری ۱۱ تا ۲۰ سال و ۳۲/۱ درصد نمونه ها دارای سابقه کاری ۲۱ تا ۳۰ سال می باشند. به منظور بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده که نتایج آن در ذیل مشخص شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	مقدار آماره K-S	سطح معناداری	نتیجه (نرمال/غیرنرمال بودن توزیع)
سازمان یادگیرنده	۱/۱۴۶	۰/۲۰۵	نرمال
یادگیری سازمانی	۰/۷۴۹	۰/۳۹۹	نرمال
توانمندسازی	۱/۲۲۲	۰/۲۹۴	نرمال

با توجه به جدول ۲ می توان گفت متغیرهایی که سطح معناداری آن ها بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد دارای توزیع نرمال (فرضیه H_0 تایید و فرضیه H_1 رد می شود) و متغیرهایی که سطح معناداری آن ها کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد دارای توزیع غیرنرمال می باشند (فرضیه H_1 تایید و فرضیه H_0 رد می شود). وقتی که داده ها نرمال باشند استفاده از آزمون پارامتریک مجاز می باشد و وقتی که داده ها نرمال نباشند استفاده از آزمون پارامتریک مجاز نمی باشد و باید از آزمون های ناپارامتریک استفاده کرد.

جهت تعیین رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان، نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون پیرسون جهت بررسی رابطه بین سازمان یادگیرنده و

یادگیری سازمانی کارکنان

متغیرها	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	میزان خطا	سطح معناداری
سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی	۱۰۶	۰/۳۲۶	۰/۰۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۳، چون مقدار سطح معناداری متغیرهای سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی ($\text{Sig}=0/000$) از مقدار خطای پیش‌بینی شده ($\alpha=0/05$) کوچکتر می باشد، بنابراین رابطه بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار است و از آنجاییکه ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با $0/326$ می باشد، بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود. لذا با سطح اطمینان 95% درصد می توان نتیجه گرفت که بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش سازمان یادگیرنده، یادگیری سازمانی کارکنان افزایش می یابد و بالعکس. جهت تعیین رابطه بین سازمان یادگیرنده و توانمندسازی کارکنان، نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. نتایج آزمون پیرسون جهت بررسی رابطه بین سازمان یادگیرنده و

توانمندسازی کارکنان

متغیرها	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	میزان خطا	سطح معناداری
سازمان یادگیرنده و توانمندسازی	۱۰۶	$0/746$	$0/05$	$0/000$

توجه به جدول ۴، چون مقدار سطح معناداری متغیرهای سازمان یادگیرنده و توانمندسازی کارکنان با مدرسه ($\text{Sig}=0/000$) از مقدار خطای پیش‌بینی شده ($\alpha=0/05$) کوچکتر می باشد، بنابراین رابطه بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار است و از آنجاییکه ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با $0/746$ می باشد، بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود. لذا با سطح اطمینان 95% درصد می توان نتیجه گرفت که بین سازمان یادگیرنده و توانمندسازی کارکنان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش سازمان یادگیرنده، توانمندسازی کارکنان افزایش می یابد و بالعکس. جهت تعیین رابطه بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی کارکنان، نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۵ ارائه شده است:

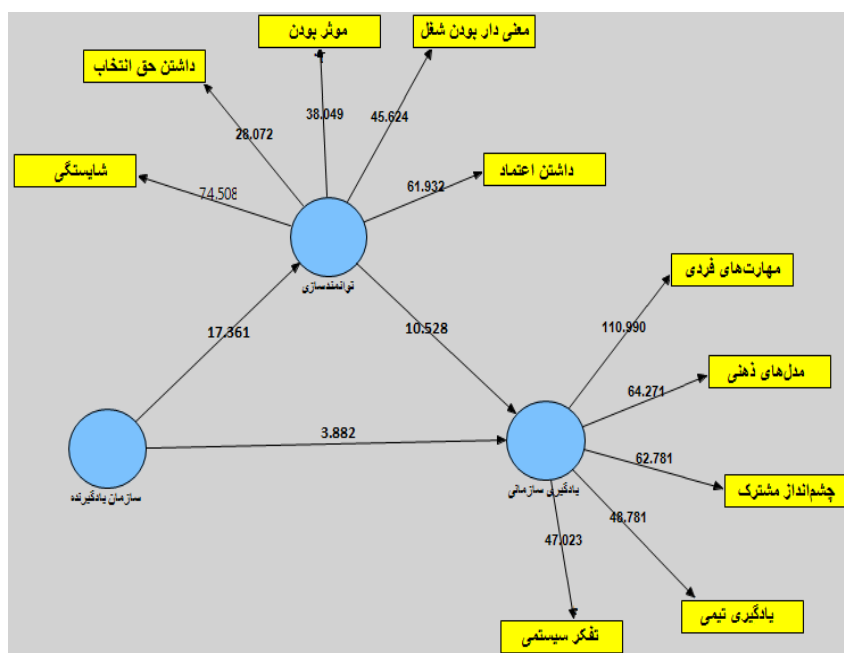
جدول ۵. نتایج آزمون پیرسون جهت بررسی رابطه بین توانمندسازی و یادگیری

سازمانی کارکنان

متغیرها	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	میزان خطا	سطح معناداری
توانمندسازی و یادگیری سازمانی	۱۰۶	$0/593$	$0/05$	$0/000$

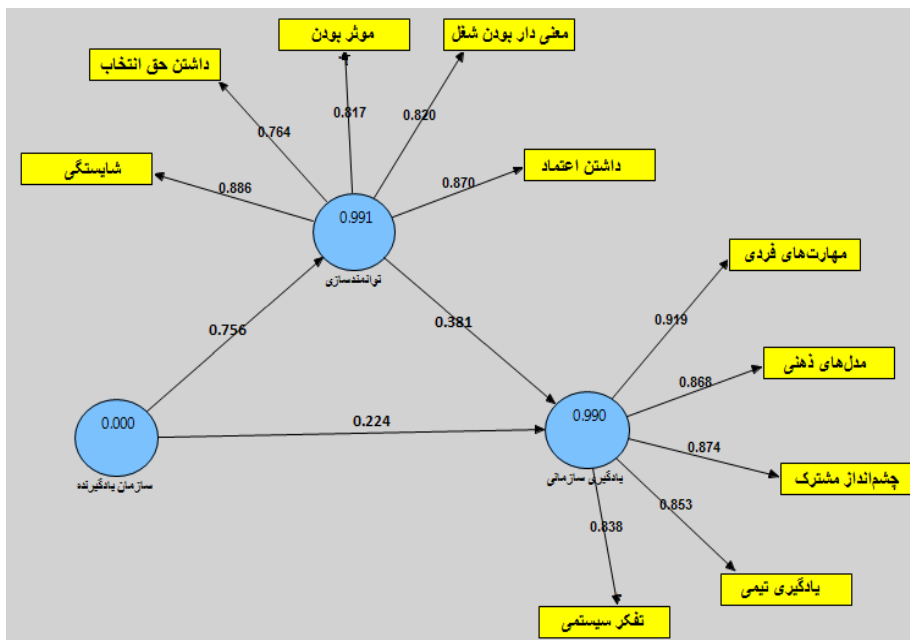
با توجه به جدول ۵، چون مقدار سطح معناداری توانمندسازی و یادگیری سازمانی ($\text{Sig}=0/000$) از مقدار خطای پیش‌بینی شده ($\alpha=0/05$) کوچکتر می‌باشد، بنابراین رابطه بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار است و از آنجاییکه ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با $0/593$ می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می‌شود. لذا با سطح اطمینان 95% درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی کارکنان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش توانمندسازی، یادگیری سازمانی کارکنان افزایش می‌یابد و بالعکس.

برای آزمودن صحت مدل نظری تحقیق و محاسبه ضرایب تأثیر از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به وسیله نرم افزار Smart PLS استفاده شده است. همانطور که جدول زیر نشان می‌دهد مقادیر t -value برای تمامی مسیرها از مقدار استاندارد قدرمطلق $1/96$ بیش‌تر است که حاکی از درستی مدل و برازش ایده آل مدل مفهومی پژوهش است



شکل ۲. مدل آزمون شده متغیرهای پژوهش بر مبنای T-value

همان طوری که در شکل ۲ نشان داده شده است، مقادیر t -value برای تمامی مسیرها از مقدار استاندارد قدرمطلق $1/96$ بیش تر است، و گواهی بر وجود رابطه معناداری بین متغیرهای پژوهش دارد. مقدار t -value محاسبه شده بین دو متغیر سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی برابر $3/882$ را نشان می دهد که بیانگر وجود رابطه معناداری بین این دو متغیر می باشد. مقدار t -value محاسبه شده بین دو متغیر سازمان یادگیرنده و توانمندسازی برابر $17/361$ را نشان می دهد که بیانگر وجود رابطه معناداری بین این دو متغیر می باشد. مقدار t -value محاسبه شده بین دو متغیر توانمندسازی و یادگیری سازمانی برابر $10/528$ را نشان می دهد که بیانگر وجود رابطه معناداری بین این دو متغیر می باشد. آزمون معناداری به وسیله دستور بوت استرپینگ اجرا میشود. خروجی مدل پژوهش در فضای اسمارت پی ال اس بعد از اجرای دستور بوت استرپ به شکل زیر است:



شکل ۳. مدل آزمون شده متغیرهای پژوهش بر مبنای ضرایب مسیر

همچنین در شکل ۳ ضرایب مسیر که بیانگر شدت رابطه است، مشاهده می شود. اندازه ضریب مسیر نشان دهنده قدرت و قوت رابطه بین دو متغیر است. براساس ضریب مسیرها می توان گفت که متغیر سازمان یادگیرنده با میزان بار عاملی $0/224$ بر متغیر یادگیری سازمانی تاثیرگذار است. همچنین متغیر

سازمان یادگیرنده با میزان بار عاملی ۰/۷۵۶ بر متغیر توانمندسازی تاثیرگذار است. علاوه بر این، متغیر توانمندسازی با میزان بار عاملی ۰/۳۸۱ بر متغیر یادگیری سازمانی تاثیرگذار است.

جدول ۶. نتایج الگویابی معادلات ساختاری فرضیه‌های اصلی و فرعی اول تا سوم

رابطه بین متغیرها	اثر مستقیم (R)	آماره t	اثر غیر مستقیم	اثر کل	نتیجه
سازمان یادگیرنده ← یادگیری سازمانی	۰/۲۲۴	۳/۸۸۲	-	۰/۲۲۴	تایید
سازمان یادگیرنده ← توانمندسازی	۰/۷۵۶	۱۷/۳۶۱	-	۰/۷۵۶	تایید
توانمندسازی ← یادگیری سازمانی	۰/۳۸۱	۱۰/۵۲۸	-	۰/۳۸۱	تایید
سازمان یادگیرنده ← توانمندسازی ← یادگیری سازمانی	۰/۵۶۲	۰/۵۶۲	-	۰/۵۶۲	تایید

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با ضریب مسیر ۰/۲۲۴ و $t=3/882$ ، رابطه بین سازمان یادگیرنده و توانمندسازی با ضریب مسیر ۰/۷۵۶ و $t=17/361$ ، رابطه بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی با ضریب مسیر ۰/۳۸۱ و $t=10/528$ معنادار و مثبت است و با توجه به این نتایج، رابطه بین متغیرهای پژوهش تایید می‌شود. برای بررسی رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با نقش میانجی توانمندسازی کارکنان، شمول واریانس (VAF) بکار گرفته می‌شود.

$$VAF = (p_{12} \times p_{23}) / (p_{12} \times p_{23} + p_{13})$$

اکنون محقق باید داند از تحلیل میانجی قرار است به چه اهدافی دست یابد. هدف از تحلیل میانجی این است که بدانیم متغیر میانجی ما:

- میانجی نیست؛ یعنی اثر متغیر مستقل بر وابسته را به خود منوط نمی‌کند.
- میانجی کامل است؛ یعنی تمام اثر متغیر مستقل بر وابسته را منوط به حضور خود می‌کند.
- میانجی جزئی است؛ یعنی بخشی از اثر متغیر مستقل بر وابسته را منوط به حضور خود می‌کند. اگر اثر غیرمستقیم معنادار باشد، اما هیچ اثری از متغیر مکنون برون‌زا بر متغیر درون‌زا را جذب نکند، VAF نسبتاً پایین است. این زمانی روی می‌دهد که اثر مستقیم بالا باشد و بعد از شمول متغیر میانجی با اثر غیرمستقیم معنادار، مقدار اندکی کاهش یابد. در این وضعیت، مقدار VAF کمتر از ۲۰٪ خواهد بود و می‌توان نتیجه گرفت که میانجی‌گری صورت نگرفته است. در مقابل، وقتی مقدار VAF خیلی بزرگ و بالاتر از ۸۰٪ است، می‌توان ادعای میانجی‌گری کامل کرد. وضعیتی که در آن VAF بیشتر از ۲۰٪ و کمتر از ۸۰٪ است، به‌عنوان میانجی‌گری جزئی شرح داده می‌شود. ۲۸۸۰۳۶

$$VAF = \frac{0.756 \times 0.381}{(0.756 \times 0.381 + 0.224)} = 0.562$$

مدیریت بر آموزش سازمانها

همانطور که از توضیحات بالا پیداست، مقدار شمول واریانس برابر با $0/562$ بوده که برابر با $56/2\%$ است که این مقدار، بین 20% و 80% است. پس می توان ادعا کرد که میانجی گری جزئی صورت گرفته است. لذا بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با نقش میانجی توانمندسازی کارکنان رابطه وجود دارد. جهت بررسی برازش مدل از برازش مدل اندازه گیری، برازش مدل ساختاری استفاده می شود. مطابق با الگوریتم تحلیل داده ها در PLS، بعد از سنجش بارهای عاملی سؤالات، نوبت به محاسبه و گزارش ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی می رسد، که این دو مقادیر توسط نرم افزار به درستی محاسبه شده است.

جدول ۷. نتایج معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان پژوهش

ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی	متغیرهای مکنون
$\alpha > 0.7$	$CR > 0.7$	
$0/950859$	$0/955379$	سازمان یادگیرنده
$0/948313$	$0/953016$	یادگیری سازمانی
$0/915451$	$0/927187$	توانمندسازی

با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی $0/7$ است و مطابق با یافته های جدول فوق این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده اند، می توان مناسب بودن وضعیت پایایی پژوهش را تأیید نمود. معیار دوم از بررسی برازش مدل های اندازه گیری، روایی همگرا است که در جدول زیر مقادیر AVE گزارش شده است.

جدول ۸. نتایج روایی همگرا متغیرهای پنهان پژوهش

میانگین واریانس استخراجی	متغیرهای مکنون
$AVE > 0.5$	
$0/525296$	سازمان یادگیرنده
$0/560089$	یادگیری سازمانی
$0/561115$	توانمندسازی

با توجه به اینکه مقدار مناسب برای AVE، $0/5$ است و مطابق با یافته های جدول فوق این معیار در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده اند، در نتیجه مناسب بودن روایی همگرا و مناسب بودن برازش مدل اندازه گیری پژوهش تأیید می شود. دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای پنهان درونزای (وابسته) مدل است. مطابق با جدول ۹،

مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که با توجه به مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد.

جدول ۹. نتایج معیار R^2 برای سازه‌های درون‌زا

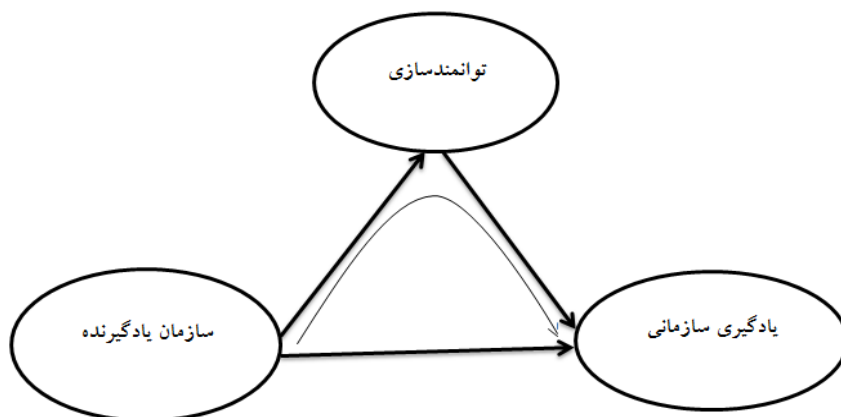
متغیرهای مکنون	R^2
سازمان یادگیرنده	۰/۰۰۰
یادگیری سازمانی	۰/۹۹۰
توانمندسازی	۰/۹۹۱

این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. نتایج جدول زیر نشان از قدرت پیش‌بینی مناسب مدل در خصوص سازه‌های درون‌زای پژوهش دارد و برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد.

جدول ۱۰. نتایج معیار Q^2 جهت قدرت پیش‌بینی مدل

متغیرهای مکنون	Q^2
سازمان یادگیرنده	۰/۴۹۹
یادگیری سازمانی	۰/۵۳۲
توانمندسازی	۰/۴۸۶

جهت تعیین نقش میانجی متغیر توانمندسازی کارکنان در رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران مدل مفهومی پژوهش در نمودار زیر نشان داده شده است.



شکل ۴. مدل مفهومی پژوهش همراه با سازه‌های مرتبه اول

برای تعیین میزان جذب کنندگی اثر از سوی متغیر میانجی، شمول واریانس (AVE) بکار گرفته می شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

$$GOF = \sqrt{0.770 \times 0.960} = 0.867$$

با توجه به مقدار شمول واریانس برابر با برابر ۰/۸۶۷ به دست آمد و این مقدار بیشتر از ۰/۳۶ است نشان از برازش قوی مدل کلی پژوهش دارد. بنابراین می توان گفت برازش کلی مدل پژوهش بسیار مناسب می باشد. بنابراین متغیر توانمندسازی کارکنان در رابطه ی بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران نقش میانجی دارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با نقش میانجی توانمندسازی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران انجام شده است در بررسی رابطه سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان با توجه به جدول ۳، چون مقدار سطح معناداری (برابر با ۰/۰۰۰) از مقدار خطای پیش بینی شده (۰/۰۵) کوچک تر می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان رابطه وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش های (Bocanet & El ، Ege et al (2017)، Hasanpour (2012) ، Padiab (2012) ، Kassari (2016) همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که سازمان یادگیرنده، سازمانی است که همواره ظرفیت هایش را برای آفرینش آینده خود توسعه می بخشد. این پدیده نوظهور سال های اخیر به وفور از آن یاد شده و هدف آن نیز توانمندسازی مدیران و کارکنان سازمان ها برای مقابله با محیط پرتلاطم تجاری و برتری رقابتی و پویایی سازمان است. یادگیری سازمانی عبارت است از: فرآیند بهسازی عملکردها از طریق دانش و درک بیشتر. یادگیری سازمانی زمانی اتفاق می افتد که موجب تغییر عقاید و دیدگاه های موجود شده و دیدگاه جدیدی را خلق کند و از طریق ارتباط و تعامل، به تمام سطوح سازمانی منتقل شود. یادگیری سازمانی در سازمان یادگیرنده زمانی اتفاق می افتد که موجب تغییر عقاید و دیدگاه های موجود شود و دیدگاه جدیدی را خلق کند و از طریق ارتباط و تعامل به تمام سطوح سازمانی منتقل شود. باید گفت این انتقال دیدگاه های جدید از طریق مشارکت بهتر صورت می گیرد. یادگیری مشارکتی در سازمان یادگیرنده، که دارای ساختارهای اصلی و زیربنایی است، تأثیرات عمده خود را بر جای خواهد گذاشت.

در بررسی رابطه سازمان یادگیرنده و توانمندسازی کارکنان با توجه به جدول ۴، چون مقدار سطح معناداری (برابر با ۰/۰۰۰) از مقدار خطای پیش بینی شده (۰/۰۵) کوچک تر می باشد، بنابراین می

توان نتیجه گرفت که بین سازمان یادگیرنده و توانمندسازی کارکنان رابطه وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش های (Sorkheh (2017)، Mohammadi (2017)، Yuesti & Sumantra (2017)، Nasirizadeh (2017)، Fakharian (2014)، Tavakoli (2011) همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که توانمندسازی فرایند توسعه است، فرایندی که باعث افزایش توان منابع انسانی شاغل در سازمان برای حل مشکلات و ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی آن ها می شود و از سویی دیگر، آنان را قادر می سازد تا عوامل محیطی را شناسایی کنند و تحت کنترل خود در آورند. وقتی افراد توانمند می شوند آنان احساس خوداثربخشی می نمایند، یعنی اینکه احساس می کنند قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت میز یک کار را دارند. اساسا در هزاره جدید، نیاز سازمان ها به یادگیری و تغییر مستمر، فزونی یافته است. اگر یک سازمان آهسته تر از محیط پیرامون خویش میل به یادگیری داشته باشد، محکوم به فنا است. به همین جهت، تمامی سازمان های موجود می بایست یک سازمان یادگیرنده باشند. در شرایط متلاطم و پیچیده محیط امروزی، سازمان ها باید با شرایط محیط خود را سازگار نمایند و شرط این سازگاری و انطباق، تبدیل شدن به سازمانی یادگیرنده است. وجود چنین سازمانی، که پایه و اساس آن بر یادگیری افراد در ابعاد فردی و گروهی بنیان گذاشته شده است، توانمندسازی کارکنان را در پی خواهد داشت. چرا که اساسا به استناد به گفته (Smith & Goodwin (2013) توانمندسازی کارکنان در گرو داشتن ازمانی مبتنی بر یادگیری است و عواملی همچون دانش و مهارت کارکنان، اعتماد بین کارکنان و مدیران، ارتباط دوجانبه کارکنان و مدیران و انگیزه ها تاثیر به سزایی بر توانمندسازی کارکنان دارند که باید در محیط های رقابتی به آن ها توجه نمود.

در بررسی رابطه توانمندسازی و یادگیری سازمانی کارکنان با توجه به جدول ۵، چون مقدار سطح معناداری (برابر با ۰/۰۰۰) از مقدار خطای پیش بینی شده ($\alpha = ۰/۰۵$) کوچک تر می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی کارکنان رابطه وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش های (Demirchi et al (2019)، Farmani & Ravangard، Islamieh & Benisi (2019)، Teymournejad & Sarihi، Dastgerdi et al (2009)، Soleimani et al (2011)، (2014)، Esfestani (2009)، Song et al (2019)، Ahadi & Suandi (2018)، Joo & Shim (2017)، Amoaateng (2015)، Field (2016)، Yuesti & Sumantra (2017) در تبیین این یافته می توان گفت که افراد توانمند احساس می کنند از قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت آمیز یک کار بهره مندند. آنان احساس برتری شخصی می کنند و معتقدند می توانند راهی برای رویارویی با چالش های جدید بیاموزند و رشد کنند. امروزه، سازمان ها در سراسر جهان به دلیل تقاضاهایی که از آنها می شود، نیازمند یادگیری در محیط کار با سرعت بیشتر، هزینه کمتر و اثربخش تر هستند. از این رو حضور فعالانه سازمان در عرصه رقابت و تکنولوژی و پیدایش مشاغل جدید و لزوم چند مهارتی شدن

کارکنان، توانمندسازی آنان را امری اجتناب‌ناپذیر کرده است. توانمندسازی جریانی است که با دادن استقلال بیشتر به کارکنان و سهمیم کردن آنان در اطلاعاتی که به مهار عملکرد شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌پردازد. توانمندسازی باعث می‌شود از شرایطی که باعث ضعف کارکنان و سازمان شده است دور شده و احساس خودکفایتی کارکنان افزایش یابد، خلاقیت و نوآوری و عزم و اراده و پشتکار کارکنان تقویت شود و شرایط برای مسلط شدن بر شرایط و غلبه بر مشکلاتی که ممکن است با آن مواجه شوند، فراهم آید. از طریق توانمندسازی، مدیران به توانایی کارکنان برای انجام وظایف خود در سطح بالاتر اعتماد نشان می‌دهند. همچنین دستیابی به توانمندی فقط تلاشی فردی یا گروهی نیست، بلکه عوامل کلانی مانند ساختار، سیاست، ارزش‌ها، نظام پاداشی و فرهنگ سازمانی همه با هم باید رفتارهای فردی و گروهی را در این راستا ترغیب و تقویت کنند. کوشش برای ایجاد، بهبود و بازسازی این عوامل از طریق یادگیری امکانپذیر است.

در بررسی نقش میانجی متغیر توانمندسازی کارکنان در رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران با توجه به مقدار شمول واریانس (VAF)، از آنجایی که مقدار شمول واریانس برابر با ۵۶۲/۰ بوده که برابر با ۵۶/۳٪ است که این مقدار، بین ۲۰٪ تا ۸۰٪ است لذا میانجیگری کامل صورت گرفته است. بنابراین متغیر توانمندسازی، رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان آموزش و پرورش نقش میانجی‌گری دارد. پژوهش‌های محقق، پژوهشی که همسو و هماهنگ با یافته فوق باشد یافت نشده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که سازمان یادگیرنده آن است که تمامی قدرت فکری، دانش و تجربه سازمان را برای ایجاد تغییرات و بهبود مستمر در جهت توسعه، در اختیار می‌گیرد و بر آن مدیریت می‌کند. سازمان یادگیرنده آن است که در آن افراد به طور مستمر توانایی‌های خود را افزایش دهند تا به نتایجی که مدنظر است دست یابند. سازمانی است که در آن تفکر، بحث‌های جمعی، کشف نظرات و افکار نو تشویق می‌شوند. سازمانی است که ظرفیت‌های لازم برای یادگیری و انطباق‌پذیری و تغییر را دارد. فردیت در سازمان یادگیرنده مفهومی ندارد. درست است که سازمان از افراد تشکیل شده اما فرد وقتی که وارد سازمان می‌شود، جزئی از کل محسوب و در آن ادغام می‌شود. سازمان‌های یادگیرنده در مقابل تغییرات مقاومت نشان نمی‌دهند و برخلاف سازمان‌های سنتی که افراد در مقابل هر تغییر واکنش منفی دارند، همواره می‌کوشد در حال تغییر و تحول باشد. در عین حال، به عامل سرعت هم توجه دارد، زیرا سرعت تغییرات است که باعث واکنش می‌شود. این گونه سازمان‌ها با محیط سازگار نمی‌شوند بلکه همواره محیط را با خود سازگار و همراه می‌کنند. یادگیری سازمانی عبارت است از تمامی روش‌ها، سازوکارها و فرایندهایی که درون سازمان، به منظور تحقق یادگیری، به کار گرفته می‌شوند. در بحث از سازمان یادگیرنده، نظام‌ها، اصول و ویژگی‌های سازمانی که به عنوان هویت جمعی یاد می‌گیرند و اقدام به تولید می‌کنند، بررسی می‌شوند. یادگیری

سازمانی به چگونگی وقوع یادگیری سازمانی به معنی مهارت‌ها و فرایندهای ساخت و بهره‌گیری از دانش اشاره دارد. در این معنی، یادگیری سازمانی تنها یک بعد یا عنصر از سازمان یادگیرنده است. در واقع در این معنی می‌توان به وجود رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی پی برد. در محیطی همچون آموزش و پرورش که مدیران با معلمان سروکار دارند و اساساً بالابردن سطح مهارت‌های معلمان منوط به داشتن سازمان و به تبع آن، کارکنانی یادگیرنده است، توجه به سطح یادگیرندگی پرسنل در اداره ضرورت دارد و همانطور که نتایج نشان داده است توانمندسازی، نقش میانجی در رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران دارد که با استناد به گفته Yun & Yoo (2017) باید اذعان داشت که توانمندسازی، بر رضایت زندگی تاثیرگذار است و فردی که رضایت از زندگی و شغل خود دارد، بهتر می‌تواند به یادگیری و پرورش مهارت‌ها و پتانسیل‌های خود بپردازد. به طور کلی، توانمندسازی برای حل نمودن تمامی مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و برخورداری از توانمندسازی باعث می‌شود تا در سازمان یادگیرنده به ابعاد توانمندسازی یعنی شایستگی، داشتن حق انتخاب، مؤثر بودن، معنی دار بودن شغل، داشتن اعتماد به دیگران توجه بیشتری مبذول گردد.

پیشنهادهای مبتنی بر تجارب پژوهشگر شامل تلاش مضاعف مدیران بانکها با توجه به خصوصی شدن بان‌کها و ارائه مدل حاکمیت شرکتی با ارائه مدلی مناسب در جهت نق شأفرینی هرچه بیشتر و احساس مالکیت کارکنان؛ تلاش هم هجانبه در جهت ارائه مدلهای کسب و کار متناسب با دانش، مهارت، ارتباطات انسانی؛ طراحی مدل عملکرد سازمانی مناسب سازمان و کمک به ترویج آن در سازمان و فرهنگ سازی مناسب.

با توجه به نتایج پژوهش توصیه میشود معنا و هدف سازمان و شناخت افکار مانع ایجاد کننده و حذف آن افکار توسط کارکنان شناسایی شود. اهمیت و تشویق رفتارهایی که به انتقال و نشر دانش در سازمان کمک می نماید و حاکی از جو یادگیری و یاددهی حاکم بر کارکنان سازمان است. به منظور تقویت یادگیری سازمانی، چکیده مطالب مهم، کاربردی و مدیریتی در قالب پیام های کوتاه، از طریق گوشی‌های همراه و یا ایمیل به کارمندان ارائه گردد. به احساس‌های مثبت و منفی کارکنان توجه شود

تعارض منافع /حمایت مالی

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان رابطه بین سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی با نقش میانجی توانمندسازی کارکنان آموزش و پرورش شرق استان مازندران می باشد و نتایج پژوهش حاضر با منافع هیچ ارگان و سازمانی در تعارض نیست و بدون و بدون حمایت مالی انجام شده است.

منابع

1. Ahadi, S., & Suandi, T. (2018). *Relationship between Empowerment and Organizational Learning among Academics in Malaysian Research Universities*.
2. Amoateng, M. (2015). *Organizational Learning, Empowerment and Creativity Among Employees of some Financial Institutions in Accra* (Doctoral dissertation, University of Ghana).
3. Bocanet, A., & El Kassar, T. (2016). Organizational Learning and Learning Organizations: An Insight on Processes & Structure. Available at SSRN 2769582.
4. Cochran, M. (2017). The Parental Empowerment Process: Buiding on Family Strenghts. In *Child psychology in action* (pp. 12-33). Routledge.
5. Dastgerdi, K., Goodarzi, M., Asadi, H., & Dastgerdi, Mehdi. (2009). The Relationship between Empowerment and Organizational Learning of the Employees of the Physical Education Organization of the Islamic Republic of Iran. *Sports Management*, 2(7), 111- 124. [Persian].
6. Demirchi, M., Hosseini, S., & Children, M. (2019). Designing a model for empowering Sepah Bank employees based on organizational learning. *training and human resource development*, 3(20), 1- 26. [Persian].
7. Dixon, N. M. (2017). *The organizational learning cycle: How we can learn collectively*. Routledge.
8. Ege, T., Esen, A., & Aşık Dizdar, Ö. (2017). Organizational Learning and Learning Organizations: an Integrative Framework. *Uluslararası Yönetim İktisat ve İşletme Dergisi*, 13(2), 439-460.
9. Fakharian, Al. (2014). *Investigating the Relationship between the Components of the Psychological Dimension of Teacher Empowerment and the Establishment of a Learning Organization in Public Boys' Secondary Schools in Tehran*, M.Sc. Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [Persian].
10. Farmani, M., Ravangard, R. (2014). The Relationship between Empowerment and Organizational Learning among the staff of Shiraz University of Medical Sciences. *Health Information Management*, 11(6), 789- 789. [Persian].
11. Field, L. (2016). Impediments to empowerment and learning within organizations. *The Learning Organization*, 4(4), 149-158.
12. Geddes, C. E., Li, H., & Jin, X. (2018). Optogenetic editing reveals the hierarchical organization of learned action sequences. *Cell*, 174(1), 32-43.
13. Islamieh, F., & Benisi, P. (2019). Analyzing the Relationships between Human Resource Empowerment with Agility and Organizational Learning. *New Educational Management Strategies*, 1(1), 10-25. [Persian].
14. Jahanian, R., & Haj Hosseini, M. (2013). *An Analysis of New Organizations of the Third Millennium: Learning Organization*, 3rd International Conference on Applied Research in Management and Accounting, Tehran, Shahid Beheshti University. [Persian].

15. Joo, B. K., & Shim, J. H. (2017). Psychological empowerment and organizational commitment: the moderating effect of organizational learning culture. *Human Resource Development International*, 13(4), 425-441.
16. Lorinkova, N. M., & Perry, S. J. (2017). When is empowerment effective? The role of leader-leader exchange in empowering leadership, cynicism, and time theft. *Journal of Management*, 43(5), 1631-1654.
17. Matthews, R. L., MacCarthy, B. L., & Braziotis, C. (2017). Organisational learning in SMEs: a process improvement perspective. *International Journal of Operations & Production Management*, 37(7), 970-1006.
18. Mohammadi, S. M. (2017). *Investigating the Relationship between Staff Readiness for Change and Empowerment with the Learning Organization in Tabriz Water and Sewerage Company*, M.Sc. Thesis, Mazandaran University, Faculty of Social Sciences. [Persian].
19. Mullah Hosseini, A., & Arsalan, E. (2009). Investigating the Relationship between Employee Empowerment and Organizational Effectiveness in Government Offices and Organizations of Rafsanjan. *Development and Capital*, 2(4), 117- 140. [Persian].
20. Nasiri Walik Bani, F., Qaltash, A. & Sarchahani, Z. (2013). The Relationship between Employee Empowerment and Job Performance and Manpower Productivity of Fars Province Education Organization. *Management of Organizational Training*, 4(2), 63- 90. [Persian].
21. Nasirizadeh, H. (2017). *Investigating the Relationship between Staff Readiness for Change and Empowerment with the Learning Organization in Tabriz Water and Sewerage Company*, M.Sc. Thesis, University of Tabriz, Faculty of Psychology and Educational Sciences. [Persian].
22. Padiab, M. (2012). Investigating the dimensions of learning organization and their impact on organizational learning in the University of Science and Culture, M.Sc. Thesis, Payame Noor Center, Tehran, Faculty of Humanities. [Persian].
23. Rajabi, H. (2012). Investigating the Relationship between Knowledge Management and Innovation in Urmia Businesses. *Quarterly Journal of Economics and Taxation*, 1(1), 75-89. [Persian].
24. Soleimani, N., Hardworking, B., & Faiz, A. (2011). The Relationship between Employee Empowerment and Organizational Learning in Education Departments. *Scientific Journal of Education and Evaluation (Quarterly)*, 4(15), 89-105. [Persian].
25. Song, J. H., Kim, H. M., & Kolb, J. A. (2019). The effect of learning organization culture on the relationship between interpersonal trust and empowerment. *Human Resource Development Quarterly*, 20(2), 147-167.
26. Sorkheh, K. (2017). *Identifying ways to empower the employees of Pegah Khuzestan Company to create a learning organization*, Master Thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [Persian].

27. Teymouri, M., & Khadivi, A. (2014). *Learning organization, a suitable model for modern organizations, the third national conference on management research and humanities in Iran*, Tehran, Modger Management Research Institute. [Persian].
28. Teymournejad, K., & Sarihi Esfestani, R. (2009). The Impact of Organizational Learning on the Psychological Empowerment of the Staff of the Ministry of Economic Affairs and Finance, Improvement and Transformation Management Studies, 5(62), 37- 59. [Persian].
29. Yuesti, A., & Sumantra, K. (2017). Empowerment On The Knowledge And Learning Organization For Community Development. *Scientific Research Journal (SCIRJ)*, 5(9).
30. Yun, Y. M., & Yoo, M. S. (2017). Effects of emotional competence, learning organization, and nursing organization culture among nursing performance of clinical nurses. *The Korean Journal of Health Service Management*, 11(4), 29-40.